

عشق طعم
بستے ہائے مرا
دزدیاں است

مجموعہ شعر

راشین گوہر شاہی

سرشناسه :	گوهرشاهی، راشین، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور:	عشق طمع بستنی‌های مرا دزدیده است / سروده‌ی راشین گوهرشاهی.
مشخصات نشر:	تهران: موسسه فرهنگی هنری شاعران پارسی‌زبان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۱۱۲ ص.
شابک:	978-622-99165-1-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع:	Persian poetry -- 20th century
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷ ع ۵ / ۹۵۹ PIR۸۳۵۹
رده‌بندی دیویی:	۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۴۹۰۹۶۶



موسسه فرهنگی هنری شاعران پارسی‌زبان

عشق طمع بستنی‌های مرا دزدیده است (مجموعه شعر)
 سروده: راشین گوهرشاهی
 ناشر: موسسه فرهنگی هنری شاعران پارسی‌زبان
 نویت چاپ، اول، ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۶۵-۱-۳

طراحی: نشر جلد: تلیه ایمان
 لیتوگراف: چاپ: پاپ ایده آل، صحافی: ولیعصر
 قیمت: ۱۱,۰۰۰ تومان
 کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی ناشر:

تهران، خیابان آزادی، نبش خیابان فانی، ساختمان شماره ۴۴۹،
 پلاک ۱۳۷، طبقه اول، واحد یک، انتشارات موسسه فرهنگی و هنر
 شاعران پارسی‌زبان - تلفن: ۰۲۱-۳۲۷۰۲۳۷۰
 irafta.pub@gmail.com



فهرست

- پیشگفتار/ پیکانی که عشقش بودم؛ ۱۱/
طعم بستنی/ آسمان لبخند: بیان، تورا از دیده است/ ۱۳/
نگاه جادویت/ چقدر فلسفه در نگاه جادویت/ ۱۶/
این بار بیفتی!/ دیوانه دعایم کنم: از من نیفتی/ ۱۹/
باران ببارد/ خدایا چه خوبست باران ببارد/ ۲۲/
قافیه عشق/ دم به دم قافیه شعر از آن می گیرد/ ۲۵/
بازیچه/ مثل یک بازیچه از دست تو افتادم ولی.../ ۲۸/
خیالت/ باز باید آسمانت را به یاغی ها دهم/ ۳۱/
چشم های تو/ ببین که آخرش تورا شناختم نیامدی!/ ۳۴/
این راه به پایان نرسد/ نگرانم بروم عشق پریشان بشود/ ۳۷/
آی عشق!/ من تشنه ی باران تو بودم تو نبودی/ ۴۰/
فکر تو/ می روم فکر تو را از سر خود دور کنم/ ۴۳/

می شود بد بشوی؟ / می شود بد بشوی تاز تو دل سرد شوم؟ / ۴۵

حقه های تازه / عاقبت ای نازنین! دل را به دریا باختی / ۴۸

نیستی / باید انکارت کنم وقتی که دیگر نیستی / ۵۰

آسمانت / چشمان من تعبیر رویایی حزینند / ۵۳

این روزها / این روزها که می گذرد هر شب ... / ۵۵

کمی دیوانه شو / به دنیا آمدی، لبخند ماهت مال من باشد / ۵۸

بفهمی که ... / به دنیا آمدی مهر و وفایت مال من باشد / ۶۱

ای آس ... / پنهان نکن از شانهم بی تابیت را / ۶۴

سوار قاصد من ... / سوار قایق من شو ... به رود من برگرد / ۶۷

در کوچ تابستانی / باز تنهامی پری در کوچ تابستانی ات / ۷۰

اوهام / نه! ... / ۷۳

لیلی لبخند / یک غزل فاصله ... لیلی لبخندش بود / ۷۶

کفش های پاره / خوب یابد، کفش هایم از شنیدن خسته اند ... / ۷۹

چشم تو بوبر دارد! / کاری نمی شود که چشم تو بوبر دارد / ۸۲

جان به لب آمده / جان به لب آمده از دست من؟ / ۸۵

بی قراری / درگیر لبخند توام بایی قراری ... / ۸۹

باغ رویاها / دارم برایت شعر می بافم ... قدری به عشقت می رسد ... / ۹۲

کار راحتی نبود / کار راحتی نبود؛ دل بریدن از دلت / ۹۵

همیشه فاصله ای / یکی نبود ... یکی بود؛ مثل من یا تو ... / ۹۸

دوید نگاه: / آنکه می رود، / ۱۰۰

این روزها / پیدا است نازنین که دلت لرزید / ۱۰۲

ادامه‌ی بدنت / شب را ادامه‌ی بدنت، فرض می‌کنی؟ / ۱۰۵

دنبال که می‌گردی؟ / دنبال که می‌گردی؟ من در طلبت هستم! / ۱۰۸

بوی باروت / بوی باروت می‌دهد دهنت / ۱۱۱

پیشگفتار

پلیکانی که عاشقش بودم؛

پرنده‌ای که قرار بود

روم را به دیار برساند

... نیمه‌ی اه؛

مرا بلعید.

راشین گوهرشاهی (صبح)